اقدام تروریستی علیه مرزبانان بی‌پاسخ نخواهد ماند

فرمانده ناجا با تسلیت شهادت مرزبانان گفت: دشمنان ملت بزرگ ایران بدانند که اینگونه اقدامات تروریستی و وحشیانه، بی‌پاسخ نخواهد ماند. سردار حسین اشتری گفت: چنین حرکات مذبوحانه‌ای هرگز خللی در روحیه حماسی ملت مؤمن و انقلابی ایران ایجاد نخواهد کرد و مرزبانان نیروی انتظامی تا پای جان از سرحدات مرزها محافظت کرده و اجازه ورود به بدخواهان را نخواهند داد.

ابهام در سرنوشت مرزبان ربوده شده

شهادت ۹ مرزبان در میرجاوه

۹ نفر از مرزبانان شامگاه چهارشنبه در حمله گروه‌های تروریستی در هنگ مرزی میرجاوه به شهادت رسیدند و دو مرزبان هم مجروح شدند. آن‌گونه که یکی از مجروحان حادثه گفته مهاجمان یکی از سربازان را ربوده‌اند.

ساعت ۱۹:۴۰ شامگاه چهارشنبه مرزبانان پاسگاه میل ۱۰۰ از گروهان چاهندو (هنگ مرزی میرجاوه) در حال تعویض پست خود بودند که در تله مهاجمان گرفتار شدند و قبل از اینکه واکنش نشان دهند، هدف گلوله قرار گرفتند و ۹ نفر از آنها به شهادت رسیدند. تروریست‌ها پس از حادثه با استفاده از تاریکی شب و صعب‌العبور بودن منطقه، به خاک پاکستان متواری شدند.

شمار شهدای حادثه ابتدا ۱۰ نفر و آمار مجروحان هم دو نفر اعلام شد، اما دادستان زاهدان خبر داد که آمار دقیق شهدا ۹ نفر است. سه نفر از شهدای مرزبان از نیروهای کادر و شش نفر دیگر سرباز بوده‌اند. براساس گزارش‌ها یکی از سربازان به نام مرتضی اردنی که از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفته است، در بیمارستان زاهدان بستری و حال وی وخیم گزارش شده است.

اما یک روز بعد از حادثه خبر رسید که مهاجمان یکی از مرزبانان را ربوده و با خود برده‌اند. از آن‌جا که احتمال می‌رفت سرباز ربوده شده در مسیر فرار مهاجمان به شهادت رسیده باشد، نیروهای هنگ مرزی میرجاوه به جست‌وجوی گسترده محل حادثه و اطراف آن پرداختند، اما هیچ ردی از سرباز پیدا نکردند.

داوود باشتنی، سربازی که در جریان حادثه مجروح شده در شرح ماجرا گفت: وقتی تروریست‌ها به سمت ما حمله کردند، تنها توانستم در قسمت جنگلی و پشت درختان مخفی شوم. بعد از اینکه تروریست‌ها نیروها را به شهادت رساندند، به نیروهای کادری تیر خلاصی زدند. در دقایق آخر دیدم که آنها یکی از سربازان را که زنده بود، با خود بردند.

سردار سعید کمیلی، فرمانده مرزبانی استان سیستان و بلوچستان، اما گفته است که تروریست‌ها از داخل خاک پاکستان، مرزبانان را با استفاده از سلاح‌های دوربرد به شهادت رساندند. وی گفت: هشت نفر در محل حادثه و یک سرباز هم به علت شدت جراحت در بیمارستان به شهادت رسیده است. او شمار مجروحان حادثه را سه نفر اعلام کرد.

شهید ستوان‌سوم علی پودینه از کادر مرزبانی اهل زابل، متأهل و دارای سه فرزند است. شهید ستوان‌سوم محسن دایی‌زاده یکی دیگر از نیروهای کادری مرزبانی اهل کرمان بود و چند ماهی بیشتر از ازدواجش نمی‌گذشت. شهید جهان‌تیغ هم از کادر مرزبانی است. سربازان وظیفه هم حسین طاهریان، معین بیانی، مهدی امینی، صادق خدادادی، مکاری و کاظمی بودند که به شهادت رسیدند.

هشدار ناجا به دولت پاکستان درباره شهادت مرزبانان

سخنگوی نیروی انتظامی ضمن ادای احترام به شهدای مرزبانی ناجا گفت: بی‌شک مسئولیت این دست حوادث بر عهده دولت پاکستان است و قطعاً پلیس تا تعیین تکلیف این وضعیت، موضوع را پیگیری می‌کند و از دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز خواهان پیگیری جدی این موضوع هستیم.

سردار «سعید منتظرالمهدی» توضیح داد: در پی حمله ناجوانمردانه شماری از تروریست‌ها که همواره مترصد ضربه زدن و ناامن کردن کشور عزیزمان ایران هستند، متأسفانه در روز چهارشنبه از داخل خاک پاکستان اقدام به آتش به سمت مرزبانان غیرتمند هنگ مرزی میرجاوه شد که ۹ تن از مردان مرد و حارثان و حافظان مرزهای کشورمان به شهادت رسیدند. وی افزود: بی‌شک مسئولیت این دست حوادث بر عهده دولت پاکستان است و قطعاً پلیس تا تعیین تکلیف این وضعیت موضوع را پیگیری می‌کند و از دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز خواهان پیگیری جدی این موضوع هستیم.

سخنگوی نیروی انتظامی در ادامه گفت: ساعاتی پس از این اتفاق، فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی در منطقه حاضر شد و طی جلساتی با طرف پاکستانی ضمن اعلام مراتب اعتراض خود، آنها را مسئول این ناامنی دانست و خواهان پیگیری این موضوع شد. سردار منتظرالمهدی در خاتمه گفت: اینجانب به نمایندگی از سازمان بزرگ نیروی انتظامی، ادای احترام می‌کنم به روح بلند و ملکوتی مردان غیرتمند و جان برکف مرزبان نیروی انتظامی که تا پای جان از وجب به وجب خاک ایران سرافرازمان محافظت می‌کنند و همچنین برای خانواده آن عزیزان طلب صبر و شکیبایی از درگاه ایزد منان دارم.

مرگ ۲ دختر دانشجو در سقوط پژو به رودخانه

سقوط خودروی پژو ۲۰۶ به رودخانه سفیدرود در شهرستان آستانه مرگ دو دختر دانشجو را رقم زد.

سرهنگ منوچهر محبوبی، فرمانده انتظامی شهرستان آستانه توضیح داد: در بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل مشخص شد سواری ۲۰۶ به رانندگی یک‌دختر ۲۳ ساله که دو سرنشین دختر دیگر نیز به همراه داشت، در مسیر رفتن به دانشگاه دچار سانحه شده است. وی با بیان اینکه خودرو بعد از کارخانه شن و ماسه در جاده کیسم منحرف شد و به داخل سفیدرود سقوط کرده است، تصریح کرد: راننده به دلیل آشنایی با فن شنا توانست جان خود رانجات دهد، اما دو سرنشین دیگر این خودرو جان خود را از دست دادند. فرمانده انتظامی آستانه توانایی نداشتن راننده در کنترل وسیله نقلیه را عامل اصلی رقم خوردن این تصادف عنوان کرد و از همه راننده‌ها خواست با دقت و تمرکز در رانندگی، زندگی خود و دیگران را در معرض خطر قرار ندهند.

مرگ ۳ عضو یک خانواده در انفجار کپسول گاز

انفجار کپسول گاز در یک روستا در شهرستان شوش باعث کشته شدن سه عضو یک خانواده شد.

این حادثه عصر روز پنج‌شنبه در منطقه آهودشت روستای مزرعه طریقی شهرستان شوش اتفاق افتاد. وقتی امدادگران در محل حاضر شدند زوج ۳۶ ساله و پسربچه ۱۳ ساله را که به شدت دچار جراحت شده بودند به بیمارستان منتقل کردند. از بیمارستان، اما خبر رسید که این سه‌نفر به علت شدت جراحت فوت شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که حادثه به علت انفجار کپسول گاز رقم خورده است و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

برق جان سارق را گرفت

مردی که قصد سرقت کابل‌های فشار قوی را داشت براثر برق‌گرفتگی جان خود را از دست داد.

این سارق ۴۵ ساله دو روز قبل اطراف منطقه شازند مشغول سرقت بود که دچار حادثه شد و فوت کرد. پلیس استان مرکزی با بیان اینکه درکنار این فرد ابزار و آلات سرقت سیم برق یافت شده است، گفت: بررسی دقیق موضوع از سوی پلیس در حال انجام است.

کلید سرقت از خانه شاکی در دست کارگران مغازه

دو کارگری که متهم هستند با دستبرد به خانه صاحبکارشان ۲میلیون تومان پول و طلا سرقت کرده‌اند، بازداشت شدند.

چندی قبل مردی به مأموران پلیس ساوه خبر داد که سارقان به خانه‌اش دستبرد زده و ۲۰۰ میلیون تومان پول و طلا سرقت کرده‌اند. او توضیح داد: همراه خانواده‌ام به مهمانی رفته بودم، زمانی که برگشتیم متوجه شدیم که دزد به خانه زده و پول و طلاها را سرقت کرده است. با طرح شکایت تحقیقات در این باره به جریان افتاد و مأموران پلیس متوجه شدند که دو کارگر شاکی به خانه او رفت و آمد داشتند. بعد از آن بود که این دو به عنوان مظنون بازداشت شدند. دو پسر جوان به سرقت اعتراف کردند. یکی از آنها گفت: مدتی قبل بود که متوجه شدیم صاحبخانه مقدار زیادی پول و طلا در خانه‌اش نگه می‌دارد. از آن‌جا که به خانه‌اش رفت و آمد داشتیم در فرصت مناسب کلیدیک تهیه کردیم و زمانی که او همراه خانواده‌اش به سفر رفت، نقشه را اجرا کردیم. سرهنگ پرویز اسدی، فرمانده انتظامی ساوه گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

لکه‌های خون راز قتل را برملا کرد

زن میانسال که در حال انتقال جسد مثله شده شوهرش بود، با ردیابی لکه‌های خون بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۲:۴۵ روز پنج‌شنبه ۷ اردیبهشت‌ماه امسال بود که زنی میانسال در حالی که وحشت در چهره‌اش موج می‌زد، همراه جسم پتوپیچ شده‌ای از خانه‌اش در خیابان ششم نیرو هوایی در حوالی پیروزی تهران بیرون آمد. او در حالی که جسم سخت را حمل می‌کرد، به طرف یک خودروی تاکسی حرکت کرد که بین دو کوچه ۵/۲۵ و ۵/۲۶ توقف کرده بود. این زن خبر نداشت با هر قدم که بر می‌دارد، قطره‌های خون از میان پتو جدا می‌شود و روی سنگفرش کوچه می‌چکد. هنوز چند قدمی به تاکسی مانده بود که قسمتی از پتو کنار رفت و دست بریده‌ای از داخل پتو به بیرون افتاد. رهگذران با سکوت سنگینی به پتوی خون‌آلود و دست بریده شده خیره مانده بودند که ناگهان زنی با صدای بلند گفت که این زن جسدی با خودش حمل می‌کند. زن میانسال که دستش برای همسایه‌ها رو شده بود، پتوی خون‌آلود را روی زمین رها کرد و به طرف کوچه‌ای گریخت. در این لحظه راننده تاکسی هم که متوجه فریادهای رهگذران شد با خودرواش از محل فرار کرد. سپس همسایه‌ها و رهگذران به تعقیب زن میانسال پرداختند و در نهایت پس از یک تعقیب و گریز چند دقیقه‌ای وی را در کوچه محاصره و دستگیر کردند و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادند.

■ حضور قاضی ایلخانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی در محل حادثه

لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نو در محل حادثه حاضر شدند. مأموران در نخستین گام، گره‌های پتوی خونین را باز کردند و با جسد خونین مرد میانسالی روبه‌رو شدند که به گفته شاهدهای عینی و اهالی محل، جسد متعلق به مردی حدوداً ۵۰ ساله به نام پرویز از اهالی محل است و زنی هم که جسد را حمل می‌کرد، همسر وی بود.

مأموران در گام بعدی با حفظ صحنه حادثه، موضوع را به قاضی ایلخانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند و دقایقی بعد بازپرس در رأس تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت.

نخستین بررسی‌ها نشان داد قاتل همسر مقتول است که ساعتی قبل شوهرش را در خانه‌اش به قتل رسانده است. همچنین مشخص شد، زوج میانسال چندین سال است که با هم اختلاف دارند و جدا از هم زندگی می‌کردند تا اینکه روز حادثه زن میانسال شوهرش را به بهانه‌ای به خانه کشانده و به قتل رسانده است.

تیم جنایی در گام بعدی برای بررسی صحنه قتل به خانه قاتل که طبقه دوم آپارتمان مسکونی در ۷۰ متری محل کشف جسد بود، رفتند. مأموران در بررسی محل حادثه، داخل پذیرایی با لکه‌های خون زیادی روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت قتل در پذیرایی رخ داده است.

■ حرف‌های شاهد عینی

یکی از همسایه‌ها گفت: ساعتی قبل دیدم زن همسایه جسم پتوپیچ شده‌ای را با خود از ساختمان بیرون برد. کنجکاو شدم و به داخل پله‌ها آمدم که لکه‌های خونی را روی پله‌ها دیدم. رد لکه‌های خون را گرفتم و به زن همسایه داخل کوچه رسیدم که جسم پتوپیچ شده سنگین را به طرف تاکسی می‌برد. در حالی که شوکه شده بودم، دیدم که از پتو خون چکه می‌کند. همچنان که خون از داخل پتو چکه می‌کرد، زن همسایه به داخل خیابان رسید و رهگذران هم همه با کنجکاوی او را تماشا می‌کردند که قسمتی از پتو کنار رفت و دست بریده شده‌ای بیرون افتاد. با دیدن این صحنه با صدای بلند فریادی زدم که قاتل پتو را رها کرد و به سرعت از محل گریخت. پس از این رهگذران و همسایه‌ها او را تعقیب و در یکی از کوچه‌های اطراف دستگیر کردند.

■ کینه قدیمی قتل شوهر را رقم زد

متهم در نخستین بازجویی با اعتراف به قتل شوهر مدعی شد که به خاطر کینه قدیمی دست به قتل زده است. وی در ادعایی گفت: ۱۷ سال قبل با پرویز ازدواج کردم و حاصل زندگی ما یک دختر است. ابتدا زندگی خوبی داشتیم تا اینکه از چند سال قبل با هم به خاطر موضوعی اختلاف پیدا کردیم. هر روز اختلاف ما بیشتر می‌شد تا جایی که یک سال قبل تصمیم گرفتیم از هم جدا زندگی کنیم و بدین ترتیب او برای خود خانه‌ای جداگانه گرفت. من از شوهرم کینه به دل گرفته بودم و تصمیم داشتم از او انتقام بگیرم تا اینکه امروز او را به خانه‌ام دعوت کردم تا درباره اختلافاتمان با هم صحبت کنیم. وقتی به خانه من آمد، دخترم بیرون بود که با شربت مسمومی او را بی‌هوش کردم. وقتی از هوش رفت با قندشکن چند ضربه به سرش زدم تا اینکه فوت کرد. خیلی ترسیده بودم و برای اینکه کسی متوجه حادثه نشود، جسد را مثله کردم. بعد از آن به داخل خیابان رفتم و تاکسی دربست کرایه کردم و به راننده گفتم که جسم سنگینی را می‌خواهم به یکی از خیابان‌ها منتقل کنم. راننده داخل خیابان منتظر ماند و من به خانه برگشتم و جسد را پتوپیچ کردم و به بیرون انتقال دادم که همسایه‌ها متوجه لکه‌های خون شدند و من گرفتار شدم.

همزمان با انتقال جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی، متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس به دستور قاضی ایلخانی، تحقیقات تخصصی خود را برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه آغاز کردند.

عروس خطاکار به میز محاکمه بازگشت

شوهرم گوشی تلفن همراهش را بیشتر از من دوست داشت

زن جوان که از اتهام قتل عمد شوهرش رأی برائت گرفته بود، با اعتراض اولیای دم بار دیگر محاکمه خواهد شد. متهم که شیوا نام دارد و از دو سال قبل در زندان به سر می‌برد، پس از بازداشت گفت که بی‌توجهی شوهرش به او، حادثه خونین را رقم زده است.

به گزارش خبرنگار ما، اردیبهشت ماه سال ۹۴، مأموران کلانتری نظام‌آباد از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های تهران باخبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به جوان ۳۰ ساله‌ای به نام رامین بود که با ضربات چاقوی همسرش مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان به علت شدت جراحت فوت شده بود. شیوا، همسر مقتول که در محل حضور داشت به مأموران گفت: ساعتی قبل بر سر گوشی تلفن همراه با شوهرم درگیر شدم. وقتی مشاجره ما بالا گرفت به آشپزخانه رفتم و چاقو برداشتم. او قصد داشت من را کتک بزند که با چاقو به او ضربه‌ای زدم که مجروح شد. بعد هم شوهرم را به بیمارستان منتقل کردم که فوت شد.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، شیوا در خصوص قتل شوهرش توضیحات بیشتری داد و گفت: من و رامین پنج سال بود که با هم ازدواج کرده بودیم و در این مدت اختلافات زیادی داشتیم. وقتی بچه‌دار شدیم، خوشحال بودم که با آمدن فرزندمان مشکلاتمان کمتر می‌شود، اما نه‌تنها اختلافات کم نشد، بلکه بیشتر هم شد. یکی از علت‌هایی که باعث اختلاف ما بود، بی‌توجهی‌های او به من بود.

زن جوان در شرح حادثه گفت: آن روز بعد از کارهای خانه خسته شده بودم و از آن طرف بی‌تابی‌های پسرم مرا کلافه کرده بود. وقتی رامین از کار برگشت، بعد از شام خوردن توقع داشتم کنارم باشد تا با صحبت کردن با او آرام شوم، اما رامین روی مبل نشست و با تلفن همراهش مشغول شد. از این رفتارش خیلی ناراحت شدم. به او گفتم تلفن را کنار بگذار تا با هم صحبت کنیم، اما او به کارش ادامه داد. رامین حتی به فرزندمان توجهی نداشت، زیرا برای او سرگرمی‌های شخصی‌اش مهم‌تر بود. گلایه‌های من نیز تازگی نداشت و بارها به او تذکر داده بودم، به همین دلیل شب حادثه وقتی به او اعتراض کردم، بار دیگر با هم درگیر شدیم. شوهرم طبق عادت زشتی که داشت مثل همیشه روی من دست بلند کرد و جلوی چشم‌های فرزندم مرا کتک زد. او با اینکه می‌دید فرزند سه ساله‌ام گریه می‌کند و فریاد می‌زند، اما دست بردار نشد و همچنان ادامه داد. برای اینکه او را آرام کنم و از خودم دفاع کنم، ناخواسته یک کارد آشپزخانه برداشتم و به اتاق رفتم. در حالی که پشتش به طرف من بود، ناگهان برگشت. از ترس چاقو را رها کردم که به سینه او برخورد کرد.

متهم در حالی که گریه می‌کرد، ادامه داد: شوهرم را با تمام مشکلاتی که با هم داشتیم، دوست داشتم و فقط توقع داشتم به زندگی‌اش بیشتر توجه کند. شب حادثه نیز قصد کشتن او را نداشتم فقط می‌خواستم آرامش کنم که آن اتفاق رقم خورد. خودم از اورژانس و پزشکان کمک خواستم و در تمام این لحظات کنارش بودم، اما متأسفانه به خاطر اشتباهی که کردم، او را از دست دادم.

بعد از اقرارهای متهم و کامل شدن تحقیقات، شیوا به اتهام قتل عمد روانه زندان و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم به درخواست قاضی در جایگاه ایستاد و بار دیگر ماجرا را شرح داد. پس از آن به پای اولیای دم افتاد و از آنها خواست به خاطر تنها فرزندش گذشت کنند. در پایان جلسه بعد از آخرین دفاع، هیئت قضایی قتل را شبه عمد تشخیص داد و زن جوان را به سه سال حبس و پرداخت دیه محکوم کرد. این حکم برای تأیید به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما با اعتراض اولیای دم پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد. قضات دیوان با قبول اعتراض اولیای دم رأی دادگاه را نقض و پرونده را برای رسیدگی دوباره به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران ارجاع کردند. زن جوان به زودی پای میز محاکمه حاضر خواهد شد.

همسرم حال و حوصله سفر ندارد طلاقش می‌دهم

مرد جوانی به دلیل اینکه همسرش دل و دماغ رفتن به مسافرت ندارد، خواستار جدایی از او شد.

مرد جوان که سینا نام دارد همسرش بهاره را برای اولین بار در یکی از سفرهایش به کویر ملاقات کرد. او تصور می‌کرد بهاره هم مثل خودش عاشق سفر است، برای همین تصمیم ازدواج با او را گرفت. سینا که لیدر تور بود، وقتی بعد از ازدواج متوجه شد همسرش به سفر علاقه چندانی ندارد و به او دروغ گفته بود، تصمیم گرفت به زندگی مشترکش برای همیشه پایان دهد.

دعوای این زوج عاشق پیشه به دلیل مسافرت آن‌قدر زیاد شد که در نهایت هر دو تصمیم به طلاق گرفتند و برای جدایی راهی دادگاه خانواده شدند. مرد جوان زمانی که در مقابل قاضی شعبه ۲۶۸ دادگاه خانواده قرار می‌گیرد درباره علت درخواست جدایی‌اش می‌گوید: شش سالی می‌شود که بهاره را می‌شناسم. با او در یک سفر آشنا شده بودم. با یک تور به کویر رفته بودم و بهاره و دوستانش هم با ما همسفر بودند. در آن سفر وقتی بهاره را دیدم به شدت به او علاقه‌مند شدم. وقتی شنیدم که بهاره هم مثل خودم عاشق سفر است، این علاقه بیشتر هم شد. آخر من خودم عاشق سفر هستم و به همین دلیل هم تورلیدر شدم تا بتوانم به واسطه شغلم در سفر باشم. از دیدن جای‌جای کشورم لذت می‌برم و اگر تمام عمرم را هم در سفر باشم باز هم خسته نمی‌شوم. در آن سفر بهاره هم این کار مرا تحسین کرد و گفت خودش هم مثل من عاشق سفر است. من و بهاره به هم علاقه‌مند شدیم و در مدت آشنایی‌مان مرتب از سفرهایی که می‌رفتم برایش تعریف می‌کردم. او هم هیجان‌زده می‌شد و می‌گفت حاضر است تا آخر عمر در کنار من سفر کند. من از این که بهاره تا این اندازه عاشق سفر کردن است، خوشحال بودم. چون همیشه دوست داشتم با کسی ازدواج کنم که در سفرهایم با من همراه باشد.

او ادامه می‌دهد: بعد از مدتی آشنایی، من و بهاره با یکدیگر نامزد کردیم. دیگر به راحتی می‌توانستیم با هم به سفر برویم. اتفاقاً بهاره هم مخالفتی نداشت و همیشه همراه من بود. از این که می‌دیدم او هم مثل من برای مسافرت رفتن هیجان دارد، خیلی ذوق می‌کردم. تا این که در نهایت هشت‌ماه پیش من و بهاره به عقد یکدیگر درآمدیم و زندگی مشترکمان آغاز شد. شاید باورتان نشود، ولی همسرم درست بعد از آغاز زندگی مشترکمان، اخلاق و رفتارش تغییر کرد. انگار آن بهاره‌ای که از خودش نشان می‌داد، دروغ بود. بهاره بعد از ازدواج دیگر مثل قبل با من به مسافرت نمی‌آمد و می‌گفت حوصله ندارد. هر بار با ذوق و شوق به او می‌گفتم قرار است به یک سفر برویم یا نمی‌آمد یا غر می‌زد. الان هشت‌ماه است که با هم زندگی می‌کنیم، ولی حتی یک سفر با آرامش با هم نرفتیم. مرتب غر می‌زند و می‌گوید دل و دماغ سفر رفتن را ندارد.

آقای قاضی، بهاره می‌داند من چقدر عاشق سفرم و به دلیل شغلم مجبورم همیشه به مسافرت بروم، ولی مرا همراهی نمی‌کند. بعد از ازدواج به یک زن دلمرده و بی‌حوصله تبدیل شد. برای همین سر این موضوع هر روز با هم درگیر بودیم تا جایی که تصمیم گرفتیم به زندگی مشترکمان برای همیشه پایان دهیم.

در ادامه جلسه، همسر این مرد نیز به قاضی می‌گوید: آقای قاضی مسافرت رفتن هم حدی دارد. من که نمی‌توانم تمام زندگی‌ام را رها کنم و مرتب در سفر باشم. خودم عاشق مسافرت رفتن هستم، ولی زندگی آن‌قدر گرفتاری دارد که نمی‌شود همیشه در سفر بود و خوش گذراند. پیش از ازدواج من مسئولیت سنگینی نداشتم برای همین می‌توانستم به راحتی به مسافرت بروم، ولی حالا که ازدواج کرده‌ام، کلی دردسر دارم. مسئولیت یک زندگی بر گردنم است. باید کارهای خانه را انجام دهم. نمی‌توانم خانه و زندگی‌ام را رها کنم و به دنبال شوهرم از این شهر به آن شهر بروم، ولی سینا این موضوع را درک نمی‌کند. این مرد خودخواه فقط خودش را می‌بیند و به سلیقه خودش اهمیت می‌دهد. هشت‌ماه است که ازدواج کرده‌ام، ولی یک روز خوش هم نداشته‌ام. هر روز برای سفر با هم جنگ و دعوا داریم. تا بحث مسافرت می‌شود، امکان ندارد من و سینا با هم جنجال نداشته باشیم. خیلی از مسافرت‌ها را به اجبار او رفته‌ام. ولی دیگر خسته شدم. من و سینا با هم تفاهم نداریم و ازدواج ما از همان اول اشتباه بود. در پایان قاضی عموزادی سعی می‌کند این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی این زوج از تصمیم خود منصرف نمی‌شوند و بر طلاق پافشاری می‌کنند. برای همین قاضی نیز رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول می‌کند و از این زوج می‌خواهد در این مدت بیشتر در رابطه با تصمیم‌شان فکر کنند.

باشگاه حقوقی

ضابطین دادگستری

■ ضابطان دادگستری وظایف خطیر و مهمی به عهده دارند که از جمله مهم‌ترین وظایف آنها کشف جرم و تعقیب مجرم، انجام تحقیقات مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری مجرمان و متهمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان، پیشگیری از وقوع جرم، اجرا و ابلاغ احکام قضایی، مبارزه با مواد مخدر، فساد و قاچاق می‌باشد که البته ضابطان تحت امر مقامات قضایی اقدامات لازم را انجام خواهند داد. ضابطان دو دسته‌اند: ضابطان عام که همان نیروی انتظامی است و ضابطان خاص دادگستری. ضابطان خاص دارای صلاحیت عام در مورد تمام جرائم نیستند و در مواردی دارای صلاحیت می‌باشند. فهرست بعضی از ضابطان خاص دادگستری که وظایف آنها دارای اهمیت بیشتری است، ذکر می‌شود: ۱-نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران ۲-مأموران گمرک ۳- مأموران اداره حفاظت محیط زیست ۴-جنگلبانان ۵-بازرسان سازمان تأمین اجتماعی ۶-مأموران شهرداری ۷-رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و... در بین ضابطان خاص وظایف نیروی مقاومت بسیج طبق قانون حمایت قضایی بسیج، وسیع‌تر از سایر ضابطان خاص است، ضابطان دادگستری مکلفند دستورات مقامات قضایی را اجرا کنند و تخلف از آن نیز جرم و مستوجب مجازات است.